

فانوس خیال

یحیی ذکا

نوشته‌ی زیر که در پاسخ سؤال یکی از خوانندگان
بنگارش در آمده است اسرار یکی از سرگرمی‌های
هنری باستانی میهن ما را فاش میسازد .

یکی از خوانندگان هنر و مردم بنام آقای م. ت. بهرامشاهی ، در تهران ، طی نامه‌ی
پرسیده است « چندی پیش آقای خان‌ملک یزدی در یکی از برنامه‌های تلویزیونی خود ، درباره‌ی
خیام ، اظهار داشتند که ، هارولد لمب بمدلول رباعی :

این چرخ فلک که ما در او حیرانیم فانوس خیال از او مثالسی دانیم
خورشید چراغ‌دان و عالم فانوس ما چون صوریم کاندرو گردانیم

معتقد است که خیام از گردش زمین بدور خورشید با خبر بوده و این تبحر و تعمق او را در هیئت
و نجوم میرساند . خواهشمندم توضیح فرمایید که اصولاً معنی این رباعی چیست و منظور خیام
از فانوس خیال و خورشید و عالم و صور گردان چه می‌باشد و اینها اشاره به چیزی هستند و انگاه
آیا این رباعی با ادعای آقای لمب و گفته‌ی آقای خان‌ملک یزدی مناسبت دارد و صحیح است
یا نه ؟ » .

اگرچه بخشی از پرسش این خواننده‌ی گرامی جنبه‌ی ادبی و بخشی هم جنبه‌ی علمی دارد
و بحث درباره‌ی آنها از روش و هدف این مجله‌ی هنری اندکی بدور است ولی چون بخشی نیز
مربوط بیک وسیله‌ی سرگرمی یا هنری قدیم است که متأسفانه از دو قرن پیش در ایران از میان رفته
و اصطلاحهای مربوط بآن نیز فراموش شده است ، از اینرو پرسش ایشان را بی‌جواب نگذاشته
در اینجا مورد بحث قرار می‌دهیم تا هم از تاریخچه و طرز ساخت و عمل این وسیله‌ی نمایش
(فانوس خیال) یادی بکنیم و هم با روشن ساختن موضوع و اصطلاحات مربوط بآن ، کمک نماییم
که خواننده‌ی مجله‌ی ما معنی و منظور صحیح رباعی خیام را دریافته بدانند که آقای لمب بعلت
عدم اطلاع از این اسباب سرگرمی و اصطلاحات مربوط بآن ، سنگ در تاریکی انداخته و حدس
نامربوط زده است .

پیش از درآمدن بموضوع اصلی بسیار بجاست بدانیم که «فانوس» یک واژه‌ی یونانی است.
(Phaenos) بمعنی درخشان و معادلت با واژه‌ی Lan terna در لاتین و آن آلتی است که
از مواد غیر حاجب و شفاف مانند کاغذ و پارچه و مشمع و شیشه ساخته می‌شود و چراغ یا شمع را
در داخل آن قرار می‌دهند تا از باد محفوظ ماند و اطراف خود را روشن بدارد .

«خیال» نیز در لغت معناییست که باختلاف موضوعات و موارد استعمال چندین مصداق
برای آن می‌توان یافت :

نخست آنچه بر اثر عمل قوه‌ی تخیل و تصور در ذهن انسان مرتسم شود و بقول قدماء یکی از پنج حس^۱ باطنی است :

تا نپنداری که صانع در خیال آید ترا ز آنکه کیفیت پذیرد هر چه آید در خیال
(معزی)

دوم رؤیایی که در خواب بینند :
چون من خیال رویت جانا بخواب بینم
کر خواب می نبیند چشم بجز خیالی
(حافظ)

سوم تصویری که بر آینه افتد :
هم بر آنگونه که بر آینه بیسند خیال

پهلوانان تو در تیغ تو بینند ظفر .
(معزی)
چهارم سایه‌یی که از پشت پرده یا کاغذ نمودار شود و منظورها نیز در اینجا همین مصداق چهارم است .

در پرده‌ی دل آمد دامن کشان خیالش جان شد خیال بازی در پرده‌ی وصالش
(خاقانی)

ببازی همین زین دو پرده برون خیال آرد از جانور گونه‌گون
(اسدی)

باتوجه به معنی اخیر «فانوس خیال» آلتی خواهد بود که در فاصله‌ی شمع یا چراغ و پرده‌ی فانوس آن ، اشکالی رنگین و حاجب ماوراء قرار گیرد تا سایه‌ی آنها بر اثر نور شمع یا چراغ بر پرده‌ی فانوس نمودار گردد و بسبب تعبیه‌ی اسبابی چند ، شکل‌ها بگردش در آید و سایه‌ی آنها بر روی فانوس دیده شود . این چنین آلتی از قرن ششم و احتمالاً سالها پیش از آن ، تادویست سال قبل ، در ایران شناخته و معروف بوده و شاعران و فرهنگ‌نویسان در شعرها و فرهنگهای خود بارها بدان اشاره کرده‌اند ، ولی کهن‌ترین اشاره‌یی که در اشعار و نوشته‌های فارسی تا کنون دیده شده همین رباعی منسوب به خیام است که عجالت^۲ وجود و استئمال این وسیله‌ی سرگرمی را (اگر محقق گردد که رباعی از خیام است) در قرن ششم هجری در ایران مدلل می‌دارد ولی متأسفانه از قرن ششم تا اواسط قرن نهم هجری هیچ خبری از این فانوس در شعرها و نوشته‌ها نیست و یا بنظر نویسنده‌ی این گفتار نرسیده است .

علاوه بر رباعی مذکور در فوق ، يك رباعی دیگر هم در ریاض العارفين ص. ۳۲۷ و مطلع الشمس ج. ۳ ص. ۱۷۴ به خیام نسبت داده شده که در آن نیز ذکر فانوس خیال آمده است ، چنانکه گوید :

آدم جو صراحی بود و روح چومی قالب چو نی بود و صدائی (صلائی) در وی
دانی چه بود آدم خاکی خیام فانوس خیالی و چراغی در وی

غیر از دو اشاره‌ی بالا ، خبر دیگری که از راه نوشته‌ها و کتابها از فانوس خیال داریم مربوط است به عهد سلطان ابوسعید کورکانی (۷۲ - ۸۵۵ ه . ق .) که در آن باره مؤلف تاریخ حبیب‌السیر (ج ، ۳ جزء ۳ ص ۱۸۶) می‌نویسد : « در اوایل شوال تسع وستین و ثمانمائه ، (۸۶۹ ه . ق .) در حرم‌سرای سلطان سعید ، پسری خورشیدمنظر تولد نموده بمیرزا بای سنفر موسوم گشت و نشاط و انبساط آن حضرت از آن قره‌العین سلطنت درجه کمال یافت ، حکم همایون به بستن چهارطاق ، شرف نفاذ یافت . . . رعایا و مزارعان بر حسب فرمان واجب‌الاذعان در باغ زاغان ، آغاز برافراختن چهارطاق کرده آن روضه بهشت آئین را بقبه‌های رفیع و ایوانهای منبع که مزین بود بدیبا‌ی روم و زربفت چین آرایش دادند و هر طایفه مناسب حرفه خود تعبیه بدیع ترتیب کرده نقد هنر خویش بر طبق عرض نهادند ، و آن سال مهندسان جهان در دارالملک خراسان حاضر بودند و همه بقوت ذهن و دقت طبع امور عجیبه ظاهر می‌نمودند ، از آن جمله خواجه‌علی

ارده گر اصفهانی در يك شیشه سی و دو جماعت محترفه صنعت پیشه را که در کارخانه آفرینش موجودند، به حیث ظهور آورد، چنانچه سی و دو دکان و کارخانه گشوده و هر پیشه وری بهمی که مخصوص او بود مشغولی می کردند و بعضی از آن صورت که در صنعت بحرکت احتیاج داشتند مثل: خیاط و نداف و نجار و حداد بهیاتی جنبش ایشان را مرقوم قلم تصویر گردانیده بود که در آئینه خیال صورتی از آن زیباتر نمی نمود. سلطان سعید چون آن تعبیه غریبه را مشاهده فرمود، بغایت متعجب گشته درباره آن نادره دوران اضعاف تحسین واحسان بجای آورد.

از فحوای عبارات حبیب السیر چنین دانسته می شود که این اختراع عجیب استاد مهندس خواجه علی اصفهانی، فانوس خیال بزرگی بوده از شیشه که بر اثر تعبیه حیلای فنی، پاره ای از اشکال و نقوش آن در گردش بدور چراغ بعضی حرکات متناسب با پیشه شان از خود نمودار می ساخته اند که سایه آن ها بر پرده ی چراغ یا فانوس منعکس شده باعث تعجب و حیرت تماشاگران می گردیده است. از قرن دهم و یازدهم به بعد در شعرها و نوشته های فارسی، اشاره بفانوس خیال تقریباً رو بتراید می گذارد و فرهنگ نویسان آنرا در فرهنگهای خود وارد کرده، ضمن توضیح و تشریح وضع و شکل آن، نمونه هایی از شعرهای شاعران را نیز درباره ی این آلت نمایش بگواه می آورند و از این شعرها و نوشته ها است که چگونگی ساختمان و عمل فانوس خیال، در این زمان، معلوم ما می گردد.

آقارضا اصفهانی (متوفی بسال ۱۰۲۴ ه. ق.) می گوید:

در فراق تو چنان تن بی جانم که چو فانوس به تحریک نفس می گردد

مسیح کاشانی (متوفی بسال ۱۰۶۶ ه. ق.) می گوید:

بهر محفل که شمع قامت او جلوه گر گردد چو فانوس خیال آن خانه بر گرد سر گردد

باز همو می گوید:

شمع فانوس خیال آسمان پیداست کیست شعله ی جواله ای این دودمان پیداست کیست

ملاطاهر غنی (متوفی بسال ۱۰۷۹ ه. ق.) می گوید:

شبها ز پس پرده در اظهار جمالند خوبان همه چون صورت فانوس خیالند

صائب تبریزی (متوفی بسال ۸۳۱ یا ۱۰۸۱ ه. ق.) می گوید:

بر تن باد صبا پیرهنش، یوسف مصر از تب رشک تو، فانوس خیالی شده است

باز همو می گوید:

جز دود دل نچید گلی از وصال شمع فانوس ساده لوح چهها در خیال داشت

باز در اشاره بگردش آن می گوید:

ای خرام آب حیوان گرده ی رفتار تو رقص فانوس فلک از شعله ی دیدار تو

ملا علی رضای تجلی کاشانی می گوید:

فلک را آه گرم عشق بازان مضطرب دارد چو فانوس خیال این آسیا از دود می گردد

اشرف (متوفی بسال ۱۱۱۶ ه. ق.) می گوید:

همچو رقاصی ز صورتهای فانوس خیال آتعاش مردم دنیا بهم پیوسته است

میر محمد طفیل بلگرامی (۱۱۵۱ - ۱۰۷۳ ه. ق.) در وصف چراغان می گوید:

صف فانوسها چون گنبد نور بانواع تجلی گشته مأمور

زهر فانوس بیند چشم انصاف دل نورانی از پیراهن صاف

بفانوس خیالی دیده مأنوس نظر در سیر رنگ بال طاووس

باز همو در جای دیگر می گوید:

گر بلهوسی نیاز ظاهر آموخت کی آتش سوز دل تواند فروخت

چون صورت پروانه ی فانوس خیال گرد سر شمع گشت و یک دگره نسوخت

درفرنگ برهان قاطع (تألیف ۱۰۶۲ ه. ق.) فانوس خیال را اینطور تعریف کرده است:

« فانوسی باشد که در آن صورتها کشند و آن صورتها بهوای آتش چراغ بگردش درآید » و در فانوس گردان نیز می‌نویسد : « بمعنی فانوس خیال است » .

در فرهنگ رشیدی (تألیف ۱۰۶۴ ه. ق) می‌نویسد : « فانوسی است که درو صورتها کشند و آن صورتها بزور دود فتیله بگردد » .

در فرهنگ برهان جامع (تألیف ۱۲۰۶ ه. ق) می‌نویسد :

« معروفست و فانوس خیال و فانوس گردون و فانوسی که در آن صورتها باشد و بهوای آتش چراغ بگردش درآید » .

و اما دقیق‌ترین توصیف از « فانوس خیال » ، در فرهنگ غیاث اللغات (تألیف ۱۲۴۲ ه. ق) آمده که می‌نویسد :

« فانوس خیال و فانوس خیالی ، فانوسی باشد که اندرون آن گرد شمع یا گرد چراغ بر چیزی حلقه‌ای ، تصاویر از کاغذ تراشیده وصل کنند و آن چیز را بگردش آرند ، عکس تصاویر از بیرون فانوس با یک گونه لطف می‌نماید » .

در انجمن آرای ناصری (تألیف ۱۲۸۸-۱۲۱۸ ه. ق) تحت لغت فانوس گردان می‌نویسد : « بکاف عجمی فانوسی است که در آن صورتها کشند و آن صورتها بزور دود فتیله بگردند و آنرا فانوس خیال گویند . شاعری گفته :
دهر فانوس خیال و عالمی حیران در او

مردمان چون صورت فانوس سرگردان در او

فرهنگ آندراج (تألیف ۱۳۰۶ ه. ق) و فرهنگ نظام (تألیف ۱۳۴۶ ه. ق) هر دو مطلب غیاث اللغات را نقل و تکرار کرده‌اند و آندراج فقط عبارت غلط « و آن صورتها بزور فتیله بگردند » را بر آن افزوده است که در فرهنگ نظام با اصطلاح تصحیح شده بصورت « بزور دود فتیله » درآمده است .

ادوارد فیتزجرالد مترجم رباعیات خیام بانگلیسی در نخستین چاپ ترجمه‌ی خود (۱۸۵۹ میلادی) فانوس خیال را به "Magic shadow show" (نمایش سایه‌ی سحری) ترجمه کرده و در یادداشتی که برای همین اصطلاح نوشته است - می‌گوید : « فانوس خیال ، یک فانوس سحری است که هنوز هم در هندوستان بکار می‌رود . داخل استوانه‌ی شکل آن به تصاویر مختلف منقوش است و بقدری سبک وزن است و هوا در آن جریان دارد که دور شمع که در وسط آن است می‌گردد » .

گویا فیتزجرالد چون با اینگونه فانوس از نزدیک آشنا بوده ، آنرا کاملاً درست توصیف کرده است ولی مرحومین فروغی و دکتر غنی چون با این اصطلاح آشنائی نداشته‌اند در رباعیات خیام (چاپ تهران ۱۳۲۱ ص ۱۴۳) بی‌آنکه زحمت مختصر تحقیقی بخود بدهند و یا بفراهمی رجوع نمایند نوشته‌اند : « فانوس خیال همانست که کودکان ما شهر فرنگ و اروپائیان فانوس سحری می‌گفتند و اکنون بصورت سینما درآمده است » در صورتیکه ما خواهیم دید « شهر فرنگ » دیگر و « فانوس خیال » چیز دیگریست .

اروپائیان بفانوس خیال بفرانسه Lanterne magique و بانگلیسی Magic lantern می‌گویند و تاریخ ظهور آن در اروپا از قرن هفدهم میلادی فراتر نمی‌رود . دوست عزیزم آقای فرخ غفاری در گفتار فاضلانه‌ی خود در مجله‌ی فیلم و زندگی (شماره ۵ ص ۴۲ - ۴۰) تحت عنوان « سینما پرایران » آورده است که : « تاریخ نویسان رسمی سینما تاکنون کشیشی بنام « آتاناز کیرشر » (P. Athanase Kircher) را مخترع این فانوس دانسته‌اند در صورتیکه خواهیم دید این کشیش فقط معرفی کننده کشفیات دیگرانست وی در ۱۶۰۱ بدینا آمد و در ۱۶۸۰ در رم فوت کرد ، وی کشیش فرقه یسوعی بود و اطلاعاتی از علم فیزیک داشت تخصص وی در زبانهای شرقی بود و تألیفات او در زبانشناسی و آثار باستانی مشهورست ، وی از نمایش‌های سحرآمیز مصری و فنیقی بتوسط نور اطلاع داشت » « تری رامزه » امریکائی در کتاب

« يك ميليون شب و يك شب » می گوید : « که شبی در سال ۱۶۴۰ کیرشر متمدلین ونجیای شهر رم را در مدرسه یسوعیان دعوت کرد و دستگاه « ماکیا کاتوپتیکا » (Magia catoptrica) را با آنها نشان داد این دستگاه در واقع فانوس نمایش بود گفته اند که « کیرشر » فانوس سحر را اختراع کرد » یا « از نو اختراع کرد » و تاریخ نویس سینمای دیگری « جنبه منصفانه و محققانه ای پیش گرفته و فقط می گوید که فانوس خیال برای اولین بار بتوسط « کیرشر » تشریح و توصیف شده است »

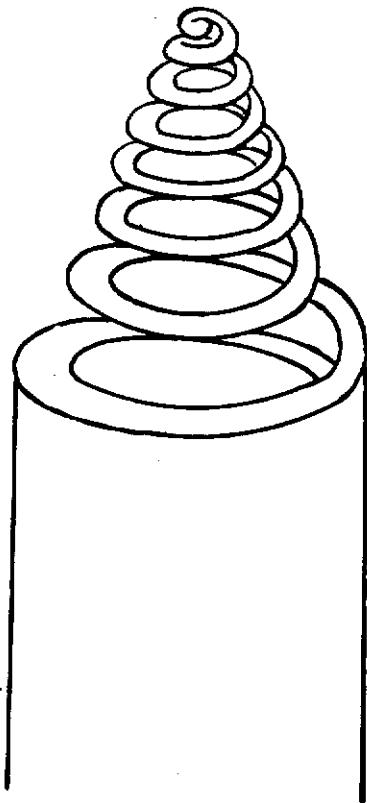
در تاریخ سینما از سری کتابهای « چه میدانم » می نویسد : « از قرن هفدهم به بعد چراغ سحر آمیز همه جا معروف و ارزش آن بمراتب بیش از یک بازیچه بود . زیرا جادوگران دروغی از آن برای تأثیر در جمعیت و دوره گردان برای مشغول کردن و متعجب ساختن مردم استفاده می کردند » ولی باید متوجه بود که عمل Lanterne magique در اروپا با عمل فانوس خیال در شرق متفاوت بوده است . در فانوس اروپایی شکلها و سایهها از پشت شیشه ای عدسی ، بزرگتر شده بصفحه ای مقابل یا دیوار منعکس می گردیده ، در صورتیکه در فانوس خیال ، سایه اشکال بر روی خود پرده ای دور چراغ نمودار می شده است .

بهر حال آنچه از مجموع مطالب فرهنگها و مفهوم شعرها بدست می آید اینست که : این وسیله ای سرگرمی یا چراغ نمایش ، « فانوس خیال ، فانوس خیالی و فانوس گردان » نام داشته و سایهها بر روی پرده ای برونی آن ، بوسیله نور شمع یا چراغ منعکس می شده است و در دور جدار استوانه یا حلقه ای داخلی ، اشکال سیک و وزن مختلفی از قبیل ، صورتهای زیبا ، رقاصان در حال رقص دسته بند ، صورت پروانه و غیره نقاشی یا بریده و نصب می شده ، و این استوانه بر اثر جریان هوا بدور منشأ نور ، گردیده سایه صورتهای رنگین از بیرون فانوس (خارج جدار دوم) مانند پر طاووس ، رنگارنگ دیده شده ، اشکال رؤیا انگیزی را بوجود می آورده است و گاهی نیز حیلایی بکار می برده اند که این صورتهای علاوه بر حرکت انتقالی ، حرکات وضعی نیز از خود ظاهر می ساخته اند ، همچنین از عبارت « معروفست » فرهنگ برهان جامع نیز پیدا است که در زمان تألیف کتاب (۱۲۰۶ هـ. ق) این گونه فانوس در محل و مسکن مؤلف آن یعنی تبریز شناخته و معروف بوده و احتیاجی بتوضیح زیاد نداشته است .

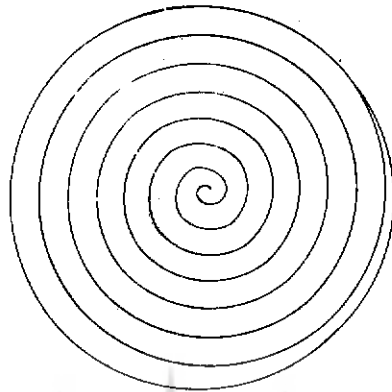
باتوجه بمطالب بالا ، چگونگی تشکیلات فانوس خیال تاحدی روشن می گردد و تنها آنچه مهم و قابل توجه است موضوع تبدیل جریان هوای گرم و سرد اطراف شمع یا چراغ ، بحرکت و انتقال آن بجدار صورتهای یا استوانه ای داخلی فانوس است .

متأسفانه از طرف نویسندگان و شاعران ، در این باره کمترین اشاره ای نشده و نمونه ای نیز در دسترس نیست که بتوان از روی آن چگونگی حرکت استوانه ای داخل فانوس را درک کرد .

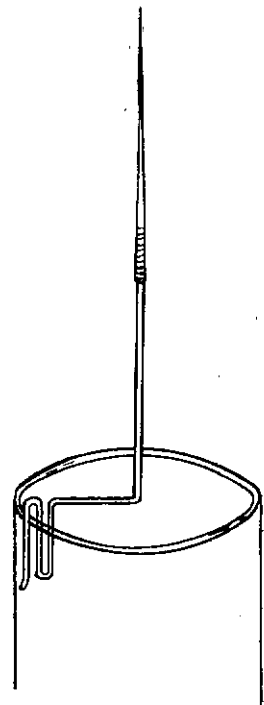
ولسی نویسنده ای این گفتار از ایام کودکی خود بخاطر دارد که سی و پنج سال پیش در « چارشنبه بازار » (بازار شب چهارشنبه سوری) تبریز که معمولاً در آن روز اغلب دکانها و مغازهها را آذین بسته و خشکبار فروشیها و آجیل فروشیها و شیرینی فروشیها وضع مغازههای خود را عوض کرده برای مشغول داشتن کودکان و سرگرمی مردم ، عکسها و چراغها و حجابهای رنگین و گلهای کاغذی و پوست حیوانات و اشیاء عجیب و غریب بدر و دیوار مغازههای خود نصب می کردند و یا در جلو آنها بنمایش می گذاشتند ، در یکی از مغازهها وسیله ای سرگرمی را مشاهده کرده ، که احتمال می دهد طرز تبدیل جریان هوای فانوس خیال به حرکت ، بر آن مبنی بوده است و آن عبارت از یک قطعه مقوای مارپیچی بود که اندکی از هم باز شده و مرکز دایره ای آن بر روی سوزنی که بوسیله سیمی در بالا و وسط لوله ای چراغ قرار گرفته بود نهاده شده بود و بر اثر جریان هوا از بالای آن مارپیچ بحرکت درآمده ، بدور خود یا چراغ می گردید . حال اگر ما ، بر آخرین حلقه ای این مارپیچ ، استوانه ای سبکی از اشکال و صور ، وصل نمایم که لوله ای چراغ یا شمع را ببوشاند ، این استوانه نیز توأم با مارپیچ بحرکت درآمده و بدین ترتیب مسئله ای بحرکت و گردش صور فانوس خیال ، حل شده ، امکان تجدید ساختمان و احیای این وسیله ای سرگرمی کهن



شکل ۳



شکل ۴

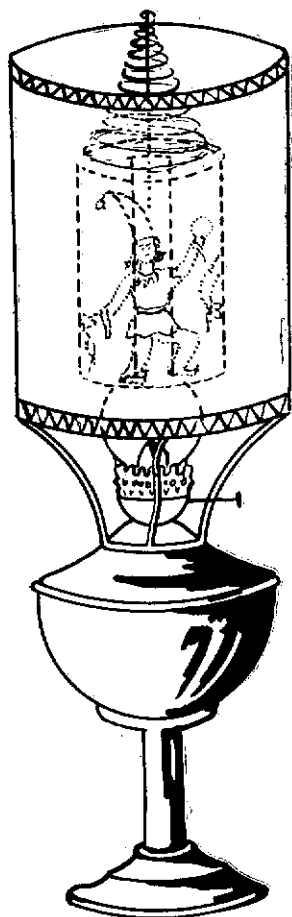


شکل ۵

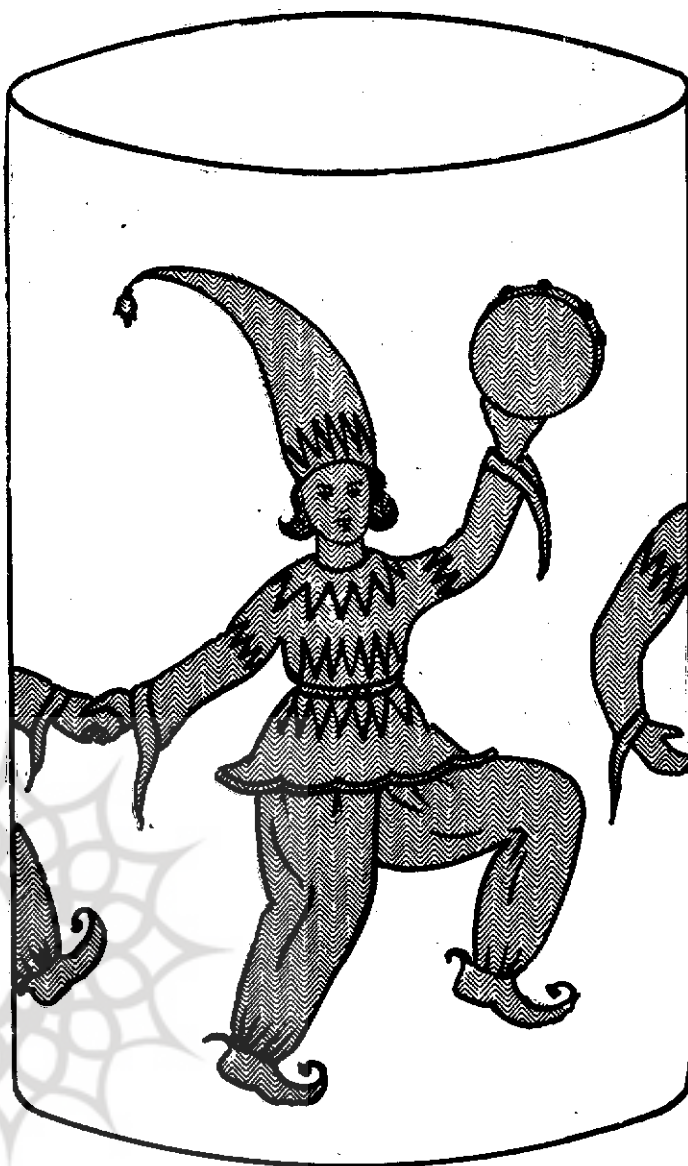
فراهم می آید .

برای مثال اگر بخواهیم نمونه‌یی از این فانوس را بسازیم ، می‌توانیم وسایل زیر را تهیه کرده با توجه به تصاویر این مقاله کار را شروع نماییم .
 ۱ - چراغ گردسوز نفتی ۲ - سیم ۳ - سوزن ۴ - مقوا ۵ - کاغذ روغنی مات ۶ - کاغذ روغنی رنگین ۷ - چسب .

ابتدا قسمتی از سیم را بریده یکسر آنرا محکم بدور ته سوزنی می‌پیچیم و یکسر دیگر را مطابق شکل بگیره‌یی تبدیل می‌کنیم که بتواند بحالت عمودی در وسط و بالای لوله چراغ محکم بایستد (شکل ۱) . سپس مقوای نسبتاً ضخیم و محکمی را بشکل دایره‌یی که قطر آن در حدود ۲۰ سانتیمتر باشد ، بریده ، آنرا بصورت مارپیچی که عرض آن در همه جا یکسان باشد ، درمی‌آوریم (شکل ۲) . سپس استوانه یا لوله‌یی (شکل ۳) از کاغذ مات که اندازه‌ی دهانه‌ی آن منطبق با قطر آخرین دایره‌ی مارپیچ باشد ، درست کرده اشکال و صوری بدخواه از کاغذهای رنگین بریده بر روی آن می‌چسبانیم (شکل ۴) و آنرا به منتهی‌الیه آخرین دایره‌ی مارپیچ می‌چسبانیم و استوانه را طوری بر روی چراغ قرار می‌دهیم که وسط مارپیچ بر روی سوزن قرار گیرد و اگر اندکی بالاتر یا پائین‌تر بود باید طول سیم پایه‌ی سوزن را کم‌تر یا زیاد کرد تا با آن صورت درآید سپس با باقی‌مانده‌ی سیم و کاغذ روغنی مات حجاب یا استوانه‌ی دیگری که تقریباً در هر طرف ۵ الی ۷ سانتیمتر با استوانه‌ی داخلی فاصله داشته باشد (قطر حدود ۳۵ سانتیمتر) ساخته ، سه یا چهار پایه‌ی سیمی از زیر بر آن نصب می‌نماییم بطوریکه بتوان آنرا بر روی چراغ ثابت نگاه داشت (شکل ۵) . این استوانه می‌تواند بقدری بلند باشد که تمام تشکیلات داخل فانوس را بپوشاند تا طرز حرکت



شکل ۵



شکل ۴ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

استوانه‌ی داخلی نیز پیدا نباشد. حال اگر بدین ترتیب چراغ را روشن نماییم و فتیله‌ی آنرا بقدری بالا بکشیم که حرارت مقوای ماریچج را نسوزاند، بر اثر جریان هوا از داخل لوله‌ی چراغ، ماریچج بحرکت درآمده، استوانه‌ی داخلی را نیز با خود بحرکت درمی‌آورد و سایه‌ی صورتها و نقشهای رنگین آن در دورا دور فانوس پیدا گشته بحرکت درمی‌آید و بدینسان فانوس خیال ساخته و آماده می‌گردد. نمونه‌ی از این فانوس را یکی از دوستان نویسنده در سالهای اخیر در دهلی دیده و در ایران نیز شاید کسانی از خوانندگان سالمند باشند که چنین سرگرمی را دیده و بخاطر داشته باشند در این صورت اگر نویسنده‌ی این گفتار را از، چو در آن مطلع سازند بسیار سپاسگزار خواهد بود.

۱ - تذکره‌ی سرو آزاد ص. ۲۵۲

۲ - این بیت را به امام محمد غزالی نیز نسبت داده‌اند که اگر صحیح باشد فاصله‌ی بین قرن پنجم و نهم را پر خواهد ساخت.